در گفت‌وگو با ابوالقاسم دلفی و با بررسی اتفاقات دیپلماتیک دوران روحانی و روزگار رئیسی مطرح شد

از فرصت‌سوزی تا نافرجامی برجام

عبدالرحمن فتح‌الهی: در حالی که شـرایط حکایت از آن دارد که مذاکرات احیای برجام دشـوار شـده اسـت و بازگشت توافق هسـته‌ای هم کمی دور از واقعیت جلوه می‌کند، حسن روحانی، رئیس‌جمهور سـابق ایران، در جلسـه دوره‌ای خود با وزیران و معاونان رئیس‌جمهور دولت‌های یازدهم و دوازدهم گفت: «من امیدوار بودم که مسـئله برجام در اسفند ۹۹ یا فروردین ۱۴۰۰ حل شـود تا دولتی که بر سر کار می‌آید، دچار این مشکل بزرگ نباشد. برای احیای برجام همه‌چیز تمام شده و آماده بود. حتی موفق شدیم از طرف‌های مذاکره امتیاز خروج سپاه پاسداران از فهرست گروه‌های تروریسـتی و لغو تحریم دفتر رهبری و نهادهای مربوط به ایشـان را بگیریم. اما متأسـفانه این امکان فراهم نشـد». روحانی در ابتدای صحبت‌های خود تأکید داشت که «امروز شرایط اقتصادی مردم مناسـب نیسـت و اکثریتی از جامعه، کاهش قدرت خرید خود را لمس می‌کنند. وقتی تورم بالاتر از ۵۰ درصد است و افزایش حقوق حدود ۲۰ درصد، معلوم است که قدرت خرید مردم پایین می‌آید و این میزان یارانه هم کفاف زندگی مردم را نمی‌دهد». در مقابل این مواضع روحانی، سیدابراهیم رئیسی دیروز یکشنبه با بیان اینکه ما رشد و تولید کشور را به مذاکرات سیاسی بند نمی‌کنیم و نخواهیم کرد، گفت: «ما از موضع عزت همه مذاکرات را دنبال می‌کنیم و این آمریکاست که پیمان‌شکنی و میز مذاکره را ترک کرده است». گفته‌های رئیس‌جمهور فعلی در حالی مطرح می‌شود که شاهد تشدید مشکلات اقتصادی و معیشتی کشور هستیم. به دلیل اوج‌گیری همین مشکلات است که در کنار گفته‌های رئیسی، مقامات دیپلماتیک دولت سیزدهم بارها از آمادگی برای ازسـرگیری مذاکرات و جمع‌بندی‌ها درخصوص احیای برجام سخن گفته‌اند. اما درمجموع از گفته‌های روحانی و رئیسی به چه نتیجه‌ای می‌توان رسید؟ آیا در دولت دوازدهم با فرصت‌سوزی به جایی رسیدیم که دولت سیزدهم نمی‌تواند امیدی به احیای توافق هسته‌ای داشته باشد؟ پاسخ به این سؤال، محور گپ و گفت «شرق» با ابوالقاسم دلفی، سفیر پیشین ایران در صربستان، فرانسه، بلژیک، کلمبیا و شیلی است تا ارزیابی وی را از تفاوت‌ها و به نوعی تبعیض‌های دولت سابق و فعلی در حوزه مذاکرات جویا شویم.

◆ «در مذاکرات احیای برجام امتیاز خروج سـپاه پاسـداران از فهرسـت گروه‌های تروریسـتی و لغو تحریم دفتر رهبری و نهادهای مربوط به ایشـان را گرفتیم». این بخشی از سخنان اخیر روحانی از شـرایط احیای توافقی است که از منظر برخی محافل تحلیلی دیگـر امیدی برای احیـای آن وجود ندارد و مشـکلات خاص خود را در پی دارد. آیا بـه باورتان در دولت روحانی فرصت‌های احیای برجام را سـوزاندیم و کار به جایی رسید که امروز دیگر برجامی برای احیا وجود ندارد؟

سؤال شما دو قسمت داشـت. اول اینکه آیا دیگر برجامی بـرای احیا وجـود ندارد؟ بله مـن هم اعتقاد دارم با دسـت فرمانـی که دولـت رئیسـی از زمـان روی کار آمدنش برای مذاکرات هسـته‌ای با سایه سـنگین جریان‌های خاص داخلی و همچنین دخالت‌های روسـیه در پیـش گرفت، نهایتا برجام بـه اعتقاد من دیگر قابل احیا نیسـت. از طـرف دیگر با توجه به مواضع تهران و همچنین اتفاقاتی که از سـال گذشته شکل گرفته اسـت، اروپا و آمریکا را هم به نتیجه مشـابه رسانده‌اند که برجام ظاهرا تمام شـده اسـت. به همین دلیل بسیار بعید می‌دانم، مذاکرات هسته‌ای از سر گرفته شود و حتی در صورت ازسرگیری مذاکرات هسته‌ای، دستور کار آن احیای توافق سال ۲۰۱۵ باشـد. البته این را هم باید گوشـزد کنم که یک صورت کلـی از برجام وجود دارد؛ چراکه اکنون هیچ کشـوری تمایل ندارد به‌صورت رسـمی مسئولیت شکست گفت‌وگوها و مرگ برجام را بپذیـرد. به‌هرحال تبعات توقف رسـمی مذاکرات و مرگ برجام برای همه طرفین بسیار زیاد است.

قسـمت دیگر سـؤالتان دایر بر ایـن بود که آیـا در دولت روحانی فرصت‌ها را سوزاندیم؟ بله در دولت سابق فرصت‌ها برای احیای برجام سـوخت و اتفاقا ما در دو مقطع که آخرین مقطـع آن مردادماه ۱۴۰۱ و قبل از آغاز حـوادث داخلی بود، می‌توانسـتیم احیای برجام را با بسته پیشنهادی جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا عملیاتی کنیم که بازهم با تصورات داخلی و توسـل به گزاره «پاییز و زمسـتان سخت اروپا» در سـایه جنگ اوکراین، فرصت برای احیای برجام هم از بیـن رفت. بعـد از آن رفته‌رفته مسـائل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللـی به سـمتی پیش رفت که ایران در یک فشـار و تحریم‌های بی‌سابقه قرار گرفت که تا به اکنون هم ادامه دارد. اتفاقا مجموعه این شـرایط سخت در شـش‌ماهه دوم ۱۴۰۱، تهران را به جایی رسـاند که در سـایه ناامیـدی از اقدام اروپا و آمریکا در اسفندماه سـال گذشته به سمت ارتقای مناسبات منطقه‌ای خود گام بردارد تا یک فضای مناسب دیپلماتیک پیدا کند. از همین رو به‌واسطه چین و امضای توافق سه‌جانبه پکن، ازسرگیری مناسـبات با عربستان به‌عنوان سناریوی جایگزین یا سناریوی آلترناتیو احیای برجام قرار گرفت که...

◆ همین‌جا توقـف کنیم. به احیای روابط ایران و عربسـتان و سـناریوی در مقام گزینـه آلترناتیو احیـای برجام خواهیم پرداخـت اما رئیسـی دیروز یکشـنبه در افتتاحیـه پنجمین نمایشـگاه توانمندی‌های صادراتی جمهوری اسـلامی ایران عنوان داشـت که کار اقتصادی و تجاری را به مذاکرات برجام گره نزده‌ایم و این آمریکا بود که پیمان‌شکنی کرد؛ ارزیابی شما درخصوص سخنان رئیسی چیسـت، چون به نظر می‌رسد که این سخنان پاسخ او به گفته‌های روحانی باشد؟

این سـخنان، سـخنان تازه‌ای نیسـت. رئیسـی چه قبل از انتخابات ریاسـت‌جمهوری و چه بعد از پیـروزی تا به اکنون به‌صورت مکرر عنوان داشته است کار اقتصادی را به مذاکرات گـره نمی‌زنیـم؛ مهم نیسـت گره بخـورد یا نخورد، مسـئله اینجاسـت که چه بخواهیـم و چه نخواهیم سـایه مذاکرات هسـته‌ای، تحریم، فشـار و... بـر روی اقتصاد ایران سـنگینی می‌کند و ما امروز شـاهد یک وضعیت نامناسـب اقتصادی و معیشتی هسـتیم که بار آن بر دوش مردم است نه مسئولان. حتـی برخـی از اقتصاددانان طی چند روز گذشـته از ابرتورم در اقتصاد ایران و نزدیک‌شـدن ما به وضعیت ونزوئلا سـخن می‌گویند. طبیعی اسـت که بعد از چند سـال تورم دورقمی و نزدیـک ۵۰ درصد، هرلحظه امـکان دارد که تورم به نقطه‌ای برسـد که سه‌رقمی شـود. این نتیجه چیسـت؟! برخی از این حرف‌ها است که پشتوانه ارزیابی دقیق و تحلیل علمی ندارد؛ برخی مسـئولین اجرائی چه در دوره روحانـی و چه در زمان روی کار آمدن دولت رئیسـی بارها عنوان کرده‌اند که مذاکرات را به معیشـت مردم گره نمی‌زنیم، بسـیار خوب گره نزنید. اما باید بگویید که برای اقتصاد و معیشـت چه نسخه جایگزینی داریـد؟! به‌هرحال درسـت یا غلط دولت روحانی بر اسـاس ارزیابی خود این تصور را داشـت که می‌توان از طریق سیاست خارجی، مذاکره، دیپلماسـی و گفت‌وگو بـا غرب وضعیت را بهبود بخشـید و تـا لحظه آخر هم روی ایـن گفته خود باقی مانـد. آقایان این تئوری را قبـول ندارند، خوب اگر قبول ندارند بایـد، تأکید دارم باید بگویند چه نسـخه جایگزینی دارند؟ تازه مطرح‌کردن تئوری و نسـخه جایگزین این مسئولین هم دردی از کشـور دوا نمی‌کند؛ چراکه باید در مقام عمل، این جریان که دولت، مجلس و بسـیاری نهادهای اجرائـی را در اختیار دارد فکری به حال اقتصاد و معیشـت بکند. بعـد از نزدیک به دو سـال از یکدست‌سـازی قدرت هیچ اتفاق خوب و مثبتی برای اقتصاد کشـور نیفتاده که هیچ، حتی وضعیت بدتر و بغرنج‌تر شده است. این نشان می‌دهد که این جریان فقط شعاردادن بلد است. اخیرا هم مسـئله همکاری‌های پولی دوجانبه و برخی کشورها مانند سوریه، هندوستان، چین، روسیه و... مطرح است که در عمل هیچ‌گونه آورده‌ای برای ما ندارد؛ چراکه از یک سو مـا در وضعیت پیچیده اقتصادی و همچنین قطع روابط پولی و بانکی قرار داریم و هم از آن سـو این کشورها هم تمایلی به مراودات پولی و بانکی با ایران به دلیل قرارگرفتن ما در لیست سـیاه FATF نخواهند داشت. پس به اعتقاد من همه چیز در حد همان دیدارها و قراردادها باقی خواهد ماند.

◆ اخیـرا مهدی صفری، معاون دیپلماسـی اقتصادی وزارت امـور خارجه گفته تا چند روز آینده هیئت تجاری عربسـتان با حضور معاون وزیر این کشـور به ایران می‌آید و در نمایشگاه توانمندی‌هـای صادراتی ایران حاضر می‌شـوند که می‌تواند موتور مناسـبات تجاری تهران - ریاض را روشن کند. آیا ایران امیدوار به مناسبات منطقه‌ای برای عبور از مشکلات اقتصادی است؟

اینکه ایران با احیای روابط با عربسـتان دلخوش به عبور از بحران است، به‌هیچ‌عنوان نمی‌تواند درست باشد. سفر هیئت تجاری عربسـتانی لزوما به معنای همکاری این کشور با ایران در سایه تحریم نخواهد بود. صرفا تلاش صوری برای نزدیکی با ایران بـرای تحقق دیگـر اهداف مدنظر ریـاض در منطقه اسـت. ببینید هرگونه مناسـبات تجاری از سـوی کشـورهای منطقه‌ای به بعـد از تعیین تکلیف تنش ایران و اروپا و آمریکا موکول می‌شـود. اکنون حتی بانک‌های عـراق که مهم‌ترین و نزدیک‌ترین کشـور همسایه به ایران اسـت، توان دادن دلار به ما را ندارد. پس چگونه انتظار دارید که دیگر کشـورها بتوانند با ایران مناسـبات اقتصادی و تجاری داشته باشند؟ پس اینکه آیا مناسبات منطقه‌ای می‌تواند به‌عنوان جایگزینی برای احیای برجام تلقی شـود، می‌تواند درست نباشـد. البته بازهم تأکید دارم کـه دیگر برجامی هم وجود ندارد که دلخوش به احیای آن باشیم. این هم دسته گل آقایان در دولت و مجلس است.

◆ جمله آخر شـما این سـؤال را در ذهن من شکل داد که آیا حضرت‌عالـی هم قائل به مذاکرات جدیـد برای توافق جدید هستید؟ اگر چنین اسـت، اقتضائات این توافق جدید چگونه خواهد بود؟ آیا آن‌گونه که مطرح اسـت، تهران باید به سمت همان توافق مدنظر ترامپ و مایک پمپئو درخصوص هسته‌ای، منطقه‌ای و دفاعی پیش برود؟

اساسـا مذاکرات با چه هدفی صورت گرفت؟! اینکه ایران از داشـتن سـلاح هسـته‌ای محروم باشـد؛ یعنی مجموعه مذاکراتی که ایران از سـال ۲۰۰۲ داشته است، با این هدف بود که تهران به نقطه گریز هسته‌ای نرسد که نهایتا در سال ۲۰۱۵ با برجام به این سـطح از توافق حداقلی رسـیدیم که جامعه جهانی صنعت هسـته‌ای ایران و غنی‌سـازی ما را به رسمیت بشناسد و شورای امنیت هم با قطع‌نامه ۲۲۳۱ به‌عنوان ضامن به رسـمیت شـناختن توان هسـته‌ای ایران بود؛ اما آمریکا در دوره ترامـپ این تصور را داشـت که ایران بـا برجام می‌تواند به منابع گسـترده مالی دست یابد و به تبع آن در حوزه نظامی و دفاعی دسـت برتری پیـدا کند و حتی بعدا ایـران می‌تواند به‌صورت زیرپوسـتی و چراغ خاموش صنعت هسته‌ای خود را پیش ببرد. به‌همین‌دلیل ترامپ از برجام خارج شـد و سعی کرد برجام جدیدی را در قالب هسـته‌ای، نظامی، منطقه‌ای و دفاعی به ایران تحمیل کند؛ بنابراین مجموعه‌ای از هسـته‌ای، نظامـی و منطقه‌ای به‌عنوان بسـته سیاسـت خارجی آمریکا علیه ایران در دسـتور کار قرار گرفت که در اوایل دولت بایدن هـم مطرح بود؛ اما اگر به تحولات یک سـال اخیر به‌ویژه بعد از جنگ اوکراین نگاه کنیم، شـرایط کاملا متفاوت شـده است. از یک‌سـو بـه اعتقاد من چیـن و روسـیه همراه با اروپـا و آمریکا با نظامی‌شـدن هسـته‌ای ایران مخالف هستند و گاهی با تحریم‌هایی در این زمینه همراهی کرده‌اند. حتی در سفر اخیر شی جین‌پینگ به روسـیه و بیانیه مشـترک، دو کشور اعلام کردند که ایران باید همکاری خود را با آژانس ادامه دهد. این به چه معناسـت؟ اینکه حتی مسـکو و پکن، حتی بعد از جنگ اوکراین هم مخالف بیشترشـدن توان هسـته‌ای ایران هسـتند. مضافا بعد از احیای روابط ایران و عربسـتان در بیانیه شورای همکاری خلیج فارس هم عنوان شـد که ایران باید همکاری خود را با آژانس ادامه دهد. این هم نشان می‌دهد که عربسـتان و دیگر کشـورهای عربـی منطقه با وجـود بهبود مناسـبات خـود با ایـران از خطوط قرمزشان درباره بیشترشـدن توان هسته‌ای ایران و نیز همکاری کامل با آژانـس عدول نخواهند کرد. از طرف دیگر با توافق سـه‌جانبه پکن و نقشـی که چینی‌ها در احیای روابط ایران و عربسـتان داشتند، بسـیار بعید اسـت چینی‌ها هم در کنار کشورهای حوزه خلیـج فارس علاوه بر مخالفـت با افزایش توان هسـته‌ای ایران، حتی با تحرکات منطقه‌ای و توان دفاعی غیرهسته‌ای تهران هم همراهی کنند؛ چون بدون‌شـک پیش‌شـرط‌های مدنظر عربستان بـرای احیای روابط با ایـران از طریق چین به نفوذ منطقه‌ای و توان نظامی، دفاعی، موشکی و پهپادی ایران بازمی‌گـردد. این به چه معناسـت؟! به این معناست که ایران با امضای توافق سه‌جانبه پکن در اسفندماه سـال گذشـته، علاوه بر حوزه هسـته‌ای در حوزه های دیگر به‌صورت دوفاکتو، برخی شـروط را پذیرفته است؛ یعنی ما در دولت روحانی می‌توانسـتیم صرفا در حوزه هسته‌ای امتیازات خـود را بگیریم، تحریم‌ها را کنار بگذاریم و فقط این تضمین را بدهیم که ایران به سمت هسته‌ای‌شدن نظامی پیش نخواهد رفت؛ اما اکنون مجبوریم در زمینه هسـته‌ای و با پررنگ‌شـدن احتمال فعال‌سـازی مکانیسـم ماشـه، همکاری‌های لازم را با آژانس داشـته باشـیم و از طرف دیگر با نقش‌آفرینی چین برای احیای روابط با عربسـتان در زمینه های دیگر و همچنین در زمینه تحـولات و نفوذ منطقه‌ای هـم تضمین‌های لازم و امتیازات مدنظر پکن و ریاض را بدهیم و این به‌معنای پذیرش شـروط دیگر بدون گرفتن امتیازی از جانب عربسـتان و دیگر کشورهای منطقه است؛ یعنی ایران با امضای توافق سه‌جانبه پکن و احیای روابط با عربستان، سیاست‌های منطقه‌ای خود را به مرحله تحدید (محدودسـازی) درآورد. یعنی آن چیزی که در دولت روحانی، «خط قرمز» تلقی می‌شـد، اکنون در دولت رئیسی به‌سادگی در سایه توافق سه‌جانبه پکن و احیای روابط با عربستان و وساطت چینی‌ها روی آن مذاکره شد و حتی ایران امتیازاتی را بدون داشتن دستاوردی به طرف مقابل اعطا کرد. این موضوع مهم‌تری را می‌رسـاند؛ یعنی در یک لایه عمیق‌تر از تحلیل ما به این جمع‌بندی می‌رسیم که اروپایی‌ها و آمریکا هم توانستند با نقش‌آفرینی عربستان و چینی‌ها دو بخش مهم از توافق مدنظر سه‌گانه (هسته‌ای، نظامی و منطقه‌ای) با ایران را عملیاتـی کننـد. از این مرحله به بعد اکنـون اروپا و آمریکا سـعی دارند از طریق اهرم آژانـس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین مانور روی فعال‌شـدن مکانیسم ماشه و پررنگ‌کردن تحریم‌ها، فشـارها بر ایران را در زمینه هسـته‌ای هم تا جایی افزایش دهند که تهران به نقطه پذیرش برسد . اتفاقا اگر دقت کرده باشـید، ایران برای آنکه از وضعیت خاص سـال گذشته خود در حوزه سیاسـت خارجی و همچنین سیاسـت داخلی عبور کنـد، میانجیگری چینی‌ها و احیای روابط با عربسـتان و پیش‌شرط‌های مدنظر پکن و ریاض را پذیرفت که تا حد زیادی با خواسته‌ها و مطالبات اروپا و آمریکا همخوانی دارد.

◆ به همین دلیل اسـت که جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، روز پنجشـنبه هفته گذشته در سـخنرانی خود در انسـتیتو واشـنگتن، احیای روابط ایران و عربستان در سایه میانجیگـری چین را یکی از دسـتاوردهای سیاسـت خارجی دولت بایدن اعلام کرد؟

بلـه، قطعا چنین اسـت؛ چراکه آمریکا توانسـت از طریق چین و عربسـتان به چند هدف مهم دست پیدا کند. اول پایان جنگ یمن، دوم کاهش هزینه‌های امنیتی برای خود در منطقه و همچنیـن کاهش هزینه‌های امنیتی کشـورهای همسـو در خاورمیانه و سـوم محدودکردن ایران در حوزه نفوذ منطقه‌ای و توان نظامی. البته هنوز مناقشـه اسرائیل و ایران وجود دارد؛ اما نکته اینجاسـت که تهران باید ملاحظات امنیتی کشورهای عربی را هم در نظر بگیرد.

◆ اما جناب دلفـی در ماه‌های اخیر تهـران بارها اعلام کرده اسـت که آماده بازگشـت به میز مذاکرات و جمع‌بندی نهایی برای برجام اسـت. روس‌ها هـم مواضع مشـابهی را اعلام کرده‌اند که...

این سؤال شـما اتفاقا در راستای پاسخم به سؤال قبلی‌تان قـرار دارد. وقتی اروپایی‌هـا و آمریکا بـا نقش‌آفرینی چین و عربسـتان توانسـتند دو بخش از توافق سه‌گانه خود در حوزه توان دفاعی و همچنین نفوذ منطقه‌ای ایران را عملیاتی کنند، دیگـر چه نیازی دارند کـه بخواهند دوباره بـا تهران پای میز مذاکره بنشینند تا در زمینه هسـته‌ای با ایران گفت‌وگو کنند؟! وقتـی به‌راحتـی می‌توانند از طریق اهرم آژانـس بین‌المللی انرژی اتمی، شورای حکام، شورای امنیت، تحریم‌ها، مکانیسم ماشه و... ایران را احتمالا وادار به عقب‌نشینی هسته‌ای بکنند، دیگـر نیازی به گفت‌وگو نیسـت. در ثانـی ببینید موضع‌گیری تهـران مبنی بر آمادگـی برای بازگشـت به میـز مذاکرات و جمع‌بندی نهایـی در چه مقطع زمانی صورت می‌گیرد؟! الان که در شـرایط سخت اقتصادی هسـتیم. وقتی ما در مردادماه سال گذشـته می‌توانسـتیم این مذاکرات را به نتیجه برسانیم یـا قبـل از آن در اسـفند ۱۳۹۹، دولت روحانی می‌توانسـت با بیشـترین امتیاز و کمتریـن هزینه، برجـام را فقط در حوزه هسته‌ای احیا کند، فرصت‌ها را یکی پس از دیگری سوزاندیم. آن زمان مجلس یازدهم روحانی، ظریف و عراقچی را پشت‌سر هم تحت فشـار قرار مـی‌داد. وزیر امور خارجـه و رئیس تیم مذاکرات سـابق را مرتبا به مجلس و کمیسـیون امنیت ملی فرامی‌خواندنـد. توهیـن، تحقیر، تهمت، افتـرا و حتی تهدید نمایندگان علیه ظریـف و عراقچی هم مطرح بود. این رویه تا جایـی پیش رفت که ظریف گفت دیگـر پا به مجلس یازدهم نمی‌گذارد، مگر برای استیضاح.

از سـوی دیگر، همین مجلس در غیاب دولت رئیسـی که هنوز شـکل نگرفته بود، قانون اقدام راهبردی را پیش کشـید که دسـت روحانی برای مذاکرات بسته شود فقط با این هدف که دولت سـابق امتیاز احیای برجام و بهبود اقتصاد را به نام خود نزنـد و دولت مدنظر آنها موفق شـود. زمانی که دولت رئیسـی روی کار آمد، عملا مجلس کنار رفت و دیگر هیچ‌گونه نظارتی هم روی مذاکرات وجود نداشت. دیگر خبری از توهین، تحقیـر، تهمت، افتـرا و حتی تهدید نمایندگان علیه رئیسـی، امیرعبداللهیـان و به‌خصوص باقری‌کنی مطـرح نبود. چرا؟! چـون دولت رئیسـی روی کار آمده بـود. باقری‌کنی به‌عنوان مسـئول تیم مذاکره حتی یـک بار به کمیسـیون امنیت ملی نرفت که ببینیم در این مدت مذاکرات چه کاری کرده است؟ آیا اساسـا کاری کرده است؟ از آن‌سو کسانی مانند محمد مرندی و جریان‌های دیگـر تئوری‌ها و افسـانه‌های عجیب‌وغریب را مطرح کردند و مسـیر مذاکرات را بسـتند. امـروز همین افراد در همان سـفر رئیسی به سـوریه اعلام می‌کنند که ما حاضر به گفت‌وگوی نهایی هسـتیم. چرا؟ چـون می‌بینند که اکنون وضعیت داخلی به چه شرایطی رسـیده است. از طرف دیگر دولت رئیسی هم‌زمان با اینکه گفته بود مذاکرات را به معیشت گـره نمی‌زند، عنوان کـرده بود که ما اولویتـی برای مذاکرات برجامی هم قائل نیستیم. بنابراین تمام آنچه در دولت رئیسی برای مذاکرات انجام گرفت، نوعی اتلاف زمان و سـرگرم‌کردن رسانه‌ها بود تا ایران مسئول شکست گفت‌وگوهای هسته‌ای و عدم احیای برجام نباشـد؛ وگرنه این دولت هیچ جدیتی برای برجـام قائل نبود. اگـر امروز این حرف‌هـا را می‌زنند و مرتب اعلام می‌کنند حاضر به جمع‌بندی مذاکرات هسـتیم، به دلیل گرفتارشدن در شرایط سخت است؛ چون تا به این اندازه بحران اقتصادی و شرایط سخت دیپلماتیک تشدید نشده بود. از طرف دیگر چون می‌بینند اروپا و آمریکا دیگر تمایلی به احیای برجام ندارند، مرتب اعلام می‌کنند که حاضر به گفت‌وگو هسـتیم که این‌گونه تلقی شـود اکنون اروپا و آمریکا هستند که تمایلی به گفت‌وگـو ندارند تا این‌گونه تـوپ را در زمین غرب بیندازند اما وضعیت امروز نتیجه رفتارهای دو سـال گذشته دولت رئیسی با حمایت مجلس یازدهم اسـت. در همین هفته‌های بعد از آغاز سـال جدید شمسی، کشـورهای اروپایی، آمریکا، استرالیا و اتحادیه اروپا مرتب فهرسـت تحریم‌ها را اعلام می‌کنند. این نشـان می‌دهد که کماکان سیاسـت تحریم در دستور کار اسـت. از آن طرف شایعات هم حاکی از آن است که سه عضو اروپایی برجام در صورت تداوم وضعیت کنونی دسـت به ماشه خواهند شـد و مکانیسم بازگشـت قطع‌نامه‌های سازمان ملل و شورای امنیت را عملیاتی خواهند کرد. طبیعی اسـت در این شـرایط تهران چاره‌ای جز موضع‌گیری دیپلماتیک در قبال بازگشـت به میز مذاکرات نداشـته باشـد؛ درصورتی‌که اگر ما می‌توانستیم از فرصت‌های قبلی در جهت احیای برجام استفاده کنیم، وضعیت باثبات‌تری را تجربه می‌کردیـم، نه اینکه اکنون ایران مجبور باشـد در کنـاردادن امتیـازات مدنظـر برخی کشـورها و همچنین همکاری با آژانس در مسیری قرار بگیرد که برای حل‌وفصل مشکلات اقتصادی و معیشتی داخلی مجبور شـود از طریق عمـان، قطر یا هر کشور دیگری مذاکرات درخصوص آزادی زندانیان دوتابعیتی را برای آزادشـدن بخشـی از پول‌های بلوکه‌شـده خود در کره، ژاپن یا عراق انجام دهد؛ آن‌هم بخـش اندکی از پول‌ها کـه گویا قرار هم نیست مسـتقیما به ایران پرداخت شود بلکه این اجازه داده خواهد شـد که از طریق کشور سومی و با نظـارت، صرفا ایران بتواند غـذا و دارو تهیه کند که البته فعلا به نتیجه هم نرسـیده اسـت. بنابراین وضعیت دشـوار امـروز ما خروجی تمام مشاوره‌های غلطی است که در دولت رئیسی شکل گرفت.

عکس: سهند تاکی، شرق

◆ اتفاقا نکته همین‌جاسـت که برخی از کارشناسان و محافل رسـانه‌ای طرح تأکید دارند که وضعیت کنونی به‌هیچ‌عنوان نه برای اروپا و آمریکا و نه برای ایران قابل ادامه نیست؛ یعنی نه اروپا و آمریکا می‌توانند از فعالیت هسته‌ای ایران چشم‌پوشی کنند و نه از آن‌سـو وضعیت اقتصادی و معیشتی به ایران هم اجازه می‌دهد که این شرایط ادامه پیدا کند. بنابراین گزینه‌های دیگر مطرح است....

اینکه شـرایط برای هیچ‌کدام قابل ادامه نیسـت که کاملا واضح اسـت، اما کدام گزینه در دستور کار قرار خواهد گرفت؟ به نظر من مسئله به سمت افزایش فشار برای مذاکرات جدید و توافق جدید اسـت، نه گزینه نظامی. شـاید اسـرائیل تمایل جدی به حمله نظامی داشـته باشـد اما بسیار بعید است که این مسئله روی دهد. به همین دلیل است که به موازات انتشار برخی اخبار درخصوص فعال‌شدن مکانیسم ماشه، تهران هم سمت همکاری نسـبی با آژانس پیش رفته است و خبرهایی درباره نصـب مجدد برخی از دوربین‌هـای نظارتی آژانس در تأسیسـات هسـته‌ای داخلی مطرح شده اسـت. البته به نظر مـن هنوز خطوط قرمـز اروپا و آمریکا بر سـر جای خود باقی است. غنی‌سـازی ۸۴ درصد، غنی‌سـازی ۶۰ درصد، استفاده از سـانتریفیوژها، سـؤالات درباره پیداشـدن مواد رادیواکتیو در برخی تأسیسـات هسـته‌ای و بسـیاری دیگر از مسـائل و اختلاف‌هـای پادمانی هنوز لاینحل باقی مانده اسـت؛ آن‌هم در شـرایطی که حدود دو هفته دیگر شـاهد برگزاری نشست فصلی شـورای حکام خواهیـم بود. اینجا دو سـناریو مطرح است؛ یا ایران باید برای پیشگیری از صدور قطع‌نامه و احتمال فعال‌شـدن مکانیسم ماشـه، همکاری‌های خود را بیشتر کند یا اینکه موضـوع به نقطه غیرقابل‌کنترل خواهد رسـید که با توجه به شـرایط ایران تمایلی به تصاعد تنش ندارد که نهایتا همکاری دولت رئیسـی با آژانس عملیاتی شود. از طرف دیگر باید پارامتر نزدیک‌شـدن به فضای انتخابات ریاست‌جمهوری سـال ۲۰۲۴ آمریـکا را هم در نظـر گرفت. هرچـه به موعد انتخابات ریاست‌جمهوری نزدیک شویم، مطمئنا دولت بایدن با فشـار بیشـتری از جانب جریان‌های رقیـب به‌خصوص در کنگره مواجه خواهد شـد. بنابراین نمی‌تواند با آزادی عمل به سمت مذاکره پیش رود. این به آن معناست که داغ‌شدن تنور انتخابات آمریکا به‌معنای سردشدن مذاکرات خواهد بود؛ مگر اینکه بایدن بخواهد مذاکرات جدیدی را با هدف تحمیل توافق جدید به ایران پیش بکشـد که البته چندان هم بعید نیسـت؛ چراکه بایدن دوسـت دارد از این توافق به‌عنوان یک دستاورد مهم دیپلماتیک در انتخابات استفاده کند.

◆ نکته مهمی کـه درخصوص روابط ایران و عربسـتان باید مطرح کرد این است که سفر رئیسی به سوریه، بازگشت دمشق به اتحادیه عرب و همچنین توقیف نفتکش‌ها در دریای عمان، تنگه هرمز و خلیج فارس نشـان می‌دهد تحولات دیپلماتیک و همچنین تحولات میدانی مغایر با گزاره مطرح‌شـده شماست که...

اتفاقا این نکات شـما دال بر این اسـت که شـرایط جدید توسط ایران پذیرفته شده است تا...

◆ چطور؟

شما به خبر دیروز (یکشنبه) نگاه کنید. وقتی اتحادیه عرب بازگشت سـوریه را مشروط به خروج نیروهای نظامی خارجی می‌کند، یعنی چه؟! یعنی اینکه باید نیروهای همسـو با ایران از سوریه خارج شـوند. از طرف دیگر وقتی عربستان به شکل جدی ترمیم روابط با دمشـق را به فاصله کمترین زمان ممکن از احیـای روابط با ایران در دسـتور کار دارد تـا جایی که این نگرانـی را در طرف ایران ایجاد می‌کند که رئیسـی بعد از ۱۳ سال راهی سوریه می‌شود، نشـان می‌دهد که اکنون تحولات میدانـی و همچنین تحـولات دیپلماتیک متفاوت از گذشـته درحال پیگیری اسـت که موتـور آن با احیـای روابط ایران و عربسـتان روشن شـد. ضمن آنکه موضوع توقیف نفتکش‌ها شـاید در کوتاه‌مدت موازنه‌بخشی را شـکل دهد اما در ادامه قطعا ورق چندان به سـود تهران برنمی‌گـردد. از طرف دیگر آمریکایی‌ها هم عنوان داشـتند تا زمانی که سـوریه مسـئله بازگشت آوارگان و تغییر سـاختار سیاسی را نپذیرد، نمی‌تواند عادی‌سـازی روابط و بازگشـت به اتحادیه عرب را تجربه کند. بنابراین اتفاق دیروز (یکشـنبه) به‌معنای آن اسـت که سوریه در این مسـیر و پذیرش این پیش‌شـرط‌ها گام برداشته است. شما به درخواست‌های اردن، مصر و قطر نگاه کنید تا بفهمید بازگشت سـوریه به اتحادیه عرب برای ایران چه معنایی دارد. این چه چیزی را نشـان می‌دهد؟ نشـان می‌دهد که برخلاف تصور و ارزیابی موجود، احیای مناسـبات تهران - ریاض بیش از آنکه به نفع ایران باشـد، به نفع عربسـتان سـعودی تمام شده اسـت؛ صرفا به دلیل آنکه ما نتوانستیم در زمان درست و به شـکل درست مذاکرات را پیش ببریم. درست است اکنون بخش مهمی از سیاست خارجی آمریکا متوجه جنگ اوکراین یا آسـیای جنوب شرقی است، اما به این معنا نیست که دولت بایدن هم اجازه دهد که هر تغییر و تحولی در غرب آسیا بدون هماهنگی آن شـکل بگیرد. لذا تصوراتـی مانند احیای روابط ایران و عربستان در سایه میانجیگری چین مترادف بیرون‌کردن آمریکا از منطقه، با چالش همراه است و قابل پذیرش نیست.